

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۱۲۷ تا ۱۴۸

بررسی تاثیر علائق ژئوپلیتیکی در ایجاد چالش های منطقه ای در جنوب غرب آسیا

مطالعه موردی: ایران و عربستان

ابراهیم رومینا^۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۶/۲۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

چکیده

دو کشوری که جهت موقعیت اولی در یک منطقه در تلاش هستند، هیچ گونه رابطه دوستانه ای با یکدیگر نخواهند داشت. رابطه این دو کشور تابع نوعی رقابت پایدار خواهد بود که در جهت یارگیری کشورهای دیگر منطقه، به چالش کشاندن همدیگر و حمایت از کشورها و گروههای کوچکتر جهت تثبیت موقعیت منطقه ای تداوم خواهد داشت. رقابت بین کشورهای یک منطقه در جهان پدیده ای فراگیر است، لیکن کنش میان کشورهای مدعی تابع نوع و تعداد موارد مورد رقابت و نحوه نگرش به آنها است. در حال حاضر، کنش متقابل دو کشور ایران و عربستان در منطقه جنوب غرب آسیا، رقابت رو به تنش را طی می کند که این رقابت و منازعه به سایر کشورهای منطقه نیز سرایت کرده و تنشهایی را در این بخش از جهان بوجود آورده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به مطالعه علائق ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا پرداخته است. شیوه گردآوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز کتابخانه ای و اسنادی و با مراجعه به مراجعه ذی صلاح انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد کنش دو کشور ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا تحت تاثیر متغیرهای مختلفی چون سابقه تاریخی- فرهنگی، رقابت ایدئولوژیک، ساختار سیاسی متعارض، رقابتهای دینی و مذهبی، گروه های قومی و مذهبی همسو در کشورهای متقابل و کنش سیاسی سطح فرامنطقه ای است. هر یک از این عوامل جزء علائق ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و عربستان سعودی می باشد و این علائق ژئوپلیتیکی در تولید چالش منطقه ای و پایداری آن تاثیرگذار است.

کلیدواژه ها: ایران، عربستان، رقابت مسالمت آمیز، منازعه، بحران.

^۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

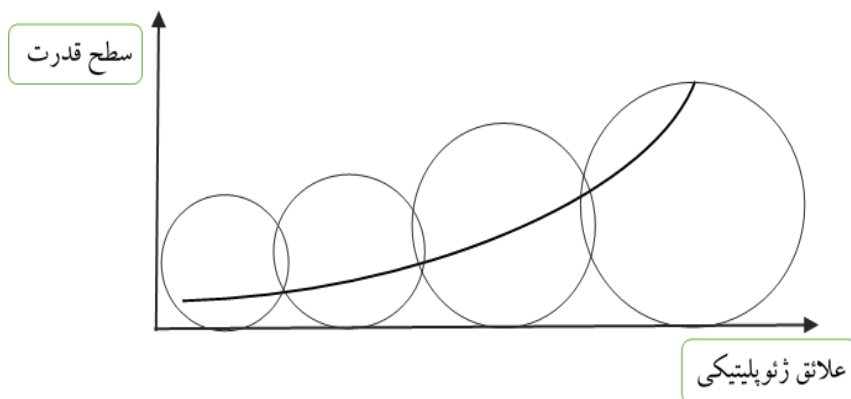
علائق ژئوپلیتیکی عبارت است از مکملهای فضائی و جغرافیایی ماورای مرزهای یک کشور در خصیصه‌های طبیعی و انسانی که همسویی واقعی یا تصویری با منافع آن کشور دارد. تعلق ژئوپلیتیکی به نوعی زیربنای علائق و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی است که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا مواردی که تأمین‌کننده احتیاجات کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، تکنولوژیکی، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست محیطی می‌باشند، و کشور به آنها دلبستگی و علاقه دارد. یک گروه اقلیت هم کیش یا همزبان و هم فرهنگ در کشور دیگر، یک فضای جغرافیایی مرتفع، یک جزیره، مسیر تأمین واردات کشور، بندرگاهها و مسیرهای انتقال صادرات (نفت، گندم)، شبکه‌های ارتباط مخابراتی، مراکز فروش کالاها و خدمات (بازارهای نفتی)، مراکز تأمین واردات (قطعات، ماشین‌آلات، گندم، دارو و اسلحه)، حزب سیاسی طرفدار، اشتراک زبانی، آداب و رسوم مشترک، مرکز تولید و انتشار نا امنی، پایگاه نظامی، اقلیت قومی معارض، دولت رقیب، خروج قدرت رقیب از کشور همسایه، نفوذ در ارکان کشور همسایه، افزایش مشتریان کالا و خدمات در خارج از مرزها، کاهش و کنترل سلاح‌های کشتار جمعی، صلح و ثبات بین‌المللی، خروج قدرتهای مداخله‌گر از پیرامون کشور و موارد متعدد دیگر (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۱۲۱) جزء علائق ژئوپلیتیکی کشورهای رقیب محسوب می‌شوند.

علائق ژئوپلیتیکی واقعی، در جهت تأمین منافع کشورها عمل می‌کنند و کشورهای مختلف از این طریق می‌توانند در جهت تقویت وزن ژئوپلیتیک خود تلاش نمایند. لذا ضرورت دارد جهت حداکثر بهره‌برداری از علائق ژئوپلیتیکی، استراتژی ژئوپلیتیکی مشخصی را در پیش گرفت تا با کمترین چالش با رقبا در

ارتباط با علائق ژئوپلیتیک بسیط و غیر قابل تقسیم، بتوان بیشترین سهم را از آن در جهت منابع ملی بدست آورد. از سوی دیگر علائق ژئوپلیتیکی تصویری یا غیر واقعی، بستر و زمینه لازم را جهت به انزوا کشاندن سیستم های سیاسی فراهم می نمایند. کشورهایی که منابع و تلاشهای خود را در جهت علائق ژئوپلیتیکی غیرواقعی و تصویری هزینه نمایند، بسترسازی ضعف و انزوای خود را در بین سیستم های پویایی سیاسی فراهم نموده و درجه انزوایی خود عمل می کنند.

میزان فراوری علائق ژئوپلیتیکی تابع سطح قدرت کشورها است. چنانچه قدرت یک کشور در ابعاد مختلف رو به گسترش باشد، علائق ژئوپلیتیکی بسط یافته و حلقه آنها در فضای جغرافیایی توسعه و گسترش می یابد. بیشترین علائق ژئوپلیتیکی یک کشور در کشورهای همجوار آن است و به میزان فاصله از مرزهای ملی، میزان علائق ژئوپلیتیکی کاهش خواهد یافت. در فضاهای دور از سرزمین اصلی یک کشور، علائق ژئوپلیتیکی ناظر بر یک کالای استراتژیک کمیاب است. مدل ۱ رابطه سطوح قدرت کشورها و ارتباط آن با علائق ژئوپلیتیک را ترسیم نموده است.

مدل ۱: رابطه قدرت و علائق ژئوپلیتیکی



طرح مساله

در حال حاضر کنش رقابت‌آمیز بین ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا به طرق مستقیم یا غیرمستقیم با بحرانهای زیر در منطقه پیوند خورده است.

- در سوریه تا کنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر در جنگ کشته شده‌اند.

- بیش از ۱۲ میلیون نفر از جمعیت سوریه شهر و خانه خود را ترک کرده‌اند.

- ۵ میلیون نفر از شهروندان سوری پس از وقوع جنگ در داخل، از این کشور خارج شده‌اند.

- تخریب زیرساختهای سوریه شهروندان این کشور را برای چندین دهه در چالش زیستی قرار خواهد داد.

- اشغال عراق و عملیات آزادسازی آن تا کنون بیش از ۱ میلیون کشته داشته است.

- رقابت قدرتهای منطقه‌ای و کنشهای ژئوپلیتیکی قدرتهای فرامنطقه‌ای در کشورهای لبنان، یمن، بحرین، افغانستان، عراق و ...، نتیجه‌ای جزء جنگ، تداوم بحران، آوارگی و کشتار بیگانهان و فقر در پی ندارد.

- و

این وضعیت در جنوب غرب آسیا نتیجه چیست؟ چرا بحران در این منطقه پایدار مانده است؟ چه گروه‌ها و حکومت‌هایی از این وضعیت بیشترین استفاده را خواهند برد؟ این صرفاً نیروهای منطقه‌ای در تولید بحران نقش‌آفرین هستند؟ پیامد پایداری بحران در منطقه، چیست؟ ابعاد این بحران تا کی و تا چه سطحی از دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گسترش خواهد یافت؟

هرچند برای سوالات فوق و بسیاری از مسائل دیگر می توان فرضیات متعددی را شکل بندی نمود، لیکن این پژوهش حاضر علائق ژئوپلیتیکی متداخل قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای و غیرقابل تقسیم بودن آنها را موضوع اصلی در شکل گیری، تداوم و پایداری بحران در منطقه می داند.

۱. چارچوب نظری

مکانها و فضاهاى جغرافیایی دارای خصیصه و ارزش خاصی هستند و منابع و مزیتها نیز در سطح جهان بطور متعادل پخش نمی باشند. به عبارتی الگوی پخش عرضه مزیتها و نیز تقاضای مزیتهاى جغرافیایی نا متعادل است. از این رو مکانها و فضاهاى جغرافیایی و به دنبال آن گروههای انسانی ساکن در آنها، ملتها و حکومتها به یکدیگر نیازمند و وابسته می شوند. وابستگی ژئوپلیتیکی منعکس کننده این واقعیت است. مزیتهاى جغرافیایی کشورها از طیف گسترده ای برخوردار است. لکن برخی از کشورها از تمام یا بخشی از آن برخوردارند و برخی از آنها آن را ندارند. این ضرورت وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است. البته دولتها برای تأمین نیازهای خود همیشه از روش های مسالمت آمیز استفاده نمی کنند و گاهی با سازوکارهای سیاسی، سلطه، نفوذ، زور و غیره سعی بر تعرض، کنترل و تصرف مزیتهاى جغرافیایی دیگران را دارند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

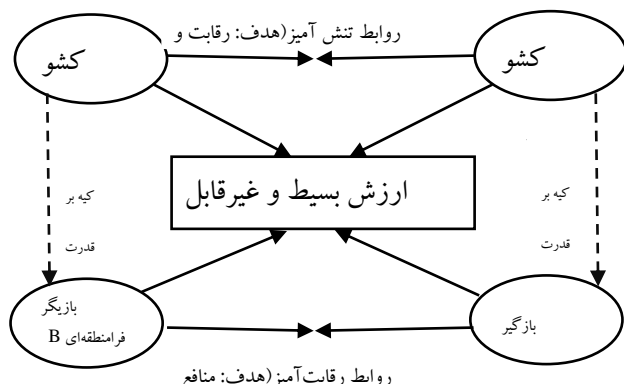
به عقیده رلف، فضای جغرافیایی بازتابی از آگاهی های ارادی افراد با محیط خود است (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۰۰). ارزشها و عوامل جغرافیایی بلحاظ ساختاری و یا کارکردی ماهیتی دوگانه دارند. بدین معنی که یک عامل جغرافیایی برای یک گروه یا فرد انسانی ممکن است مثبت تلقی شود در حالیکه همان عامل برای گروه و یا فرد دیگر دارای ارزش منفی انگاشته می شود. به علاوه اینکه هویت ساختی و کارکردی

عوامل، دارای ارزش ثابت و پایدار نیستند و ممکن است یک عامل در بستر زمان ممکن است دچار تحول ارزشی شود و یا در دیدگاه گروههای انسانی متفاوت ارزشهای متفاوتی داشته باشد. از سوی دیگر ساختارهای سیاسی سعی در توزیع و پخش پدیده‌ها و ارزشهای مورد نظر خود در فضای جغرافیایی می‌نمایند. نظریه پخش هاگستراند موید این وضعیت است (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۳۴-۱۱۲ و هاگت، ۱۳۷۵: ۱۲۱-۸۷ و Johnston, 1994: 132).

سیاست خارجی کشورهای همجوار، بشدت متأثر از یکدیگر است. ویژگیهای مشترک جغرافیایی، زیر ساخت رفتارهای همگرایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. در چنین سازه‌های منطقه‌ای، چنانچه چند قطب مدعی قدرت وجود داشته باشد، بیشترین رقابتها بین قطبهایی در جریان است که از توازن نسبی ژئوپلیتیک برخوردارند و چنانچه این رقابتها عمیق شده و مانع از مصالح کلان منطقه‌ای گردد، منطقه با چالش مواجه شده و کارکردهای آن تضعیف می‌شود. در سازه‌های منطقه‌ای غیر منسجم که تضادها و تعارضها توسعه می‌یابند الگوهای مناقشه گسترش یافته و فضای بحرانی بر منطقه حاکم می‌شود در اینگونه مناطق شکافهای ایجاد شده بین اجزاء و دولت‌های منطقه‌ای بسترسازی مناسب را برای مداخله گران و بازیگران فرامنطقه‌ای فراهم می‌کند.

بطور کلی رفتارها یا کنشهای کشورها در یک منطقه ژئوپلیتیکی که در چارچوب رقابتی بسر می‌برند تنش‌زا و خصومت‌آمیز بوده، ازاینرو سلامت سیستم سیاسی جهان و منطقه را به چالش کشیده و تهدید می‌نماید و بحران و نا امنی و جنگ و توسعه نیافتگی را تحمیل می‌کنند. با توجه به مطالب فوق می‌توان مدل زیر را جهت تبیین رقابت قدرتها در سطوح مختلف را در ارتباط با ارزشهای مورد مناقشه مد نظر قرار داد.

مدل ۲: کنش قدرتهای رقیب در یک منطقه ژئوپلیتیکی



در الگوی فوق ممکن است روابط مختلف زیر بین واحدهای سیاسی بازیگر

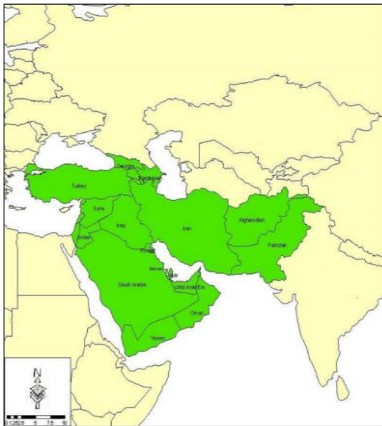
شکل گیرد:

- ۱- رفتار و کنش دو کشور A و B در ارتباط با ارزشهای بسیط و غیرقابل تقسیم، از الگوی رقابت و تا حدی منافع نشات می‌گیرد؛
- ۲- رفتار و کنش بازیگر فرامنطقه‌ای A و B تابع کسب حداکثر منافع و سپس رقابت با رقیب متناظر است.
- ۳- رفتار و کنش دو کشور A و B جهت غلبه بر کشور رقیب، تکیه بر قدرت فرامنطقه‌ای است.
- ۴- رفتار و کنش دو کشور A و B در ارتباط با کشورهای منطقه‌ای، یارگیری حداکثری است.
- ۵- رفتار و کنش بازیگران فرامنطقه‌ای A و B در ارتباط با کشور رقیب در برابر کشور مورد حمایت، تحمیل‌کننده و محدودکننده در فضای جهانی است.

۲. محیط شناسی

جنوب غرب آسیا شامل ۱۹ کشور است. در حال حاضر منطقه جنوب غرب آسیا فضای رقابت و چالش سازی سه قدرت ایران، عربستان و ترکیه است. این سه قدرت علائق ژئوپلیتیکی متکثر و متنوع دارند و نگرش غیرقابل تقسیم آنها (بسیط بودن علائق ژئوپلیتیکی) بستر چالش سازی و منازعه را شکل داده است. برآیند این وضعیت به شکل گیری دسته بندیهای منطقه ای، تولید بحران و منازعه انجامیده است.

نقشه شماره ۱: کشورهای جنوب غرب آسیا

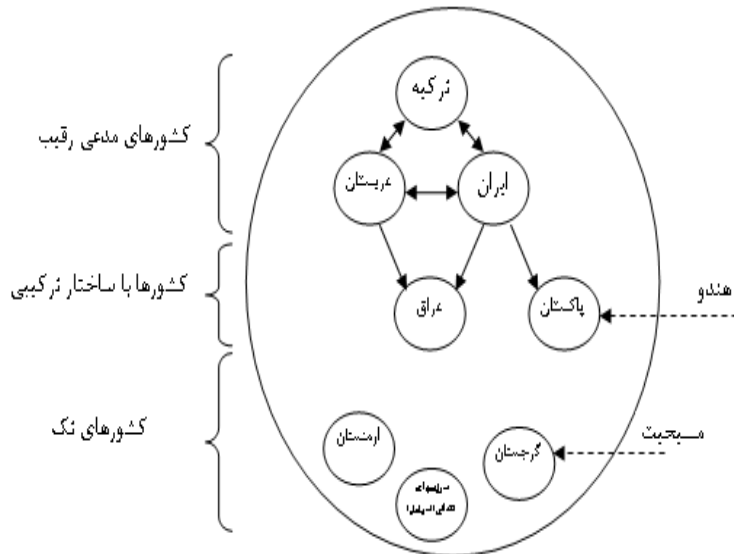


ردیف	عنوان کشور	ردیف	عنوان کشور
۱	آذربایجان	۱۱	سرزمین‌های اشغالی / اسرائیل
۲	ارمنستان	۱۲	عراق
۳	اردن	۱۳	پادشاهی عربستان سعودی
۴	افغانستان	۱۴	عمان
۵	امارات متحده عربی	۱۵	قطر
۶	ایران	۱۶	کویت
۷	بحرین	۱۷	گرجستان
۸	پاکستان	۱۸	جمهوری لبنان
۹	ترکیه	۱۹	یمن
۱۰	سوریه		

ساختار قدرتی بر مبنای متغیر تمدنی در جنوب غرب آسیا در شکل زیر آمده است. در این ساختار چند کشور مدعی هستند که هدایت و راهبری سایر سیستم‌های سیاسی منطقه‌ای را بر عهده دارند یا آنها بر مبنای خواست و اراده خود به کنش مورد نظر وامی دارند. کشورهای ترکیبی معمولاً محل مناقشه قدرتهای رقیب قرار می‌گیرند. این وضعیت زمانی که که کشور ترکیبی در شرایط ضعف قدرت سیاسی باشد بارزتر است. کشورهای تک معمولاً از الگوی قدرت منطقه‌ای تبعیت نمی‌کنند و مطالبات و خواسته‌های خود را خارج از منطقه می‌بینند. این کشورها سعی در اتصال خود به قدرتهای

سطح کروی دارند. بسیاری از کنش های ژئوپلیتیکی در این منطقه را می توان بر مبنای مدل زیر مورد مطالعه قرار داد.

مدل ۳: کشورهای مدعی، ترکیبی و تک در جنوب غرب آسیا



۳. یافته های تحقیق

الگوی حاکم بر روابط ایران و عربستان

پایان جنگ جهانی اول با تجزیه امپراتوری عثمانی و تعیین و تغییرات جغرافیایی و شکل گرفتن واحدهای سیاسی جدیدی در منطقه جنوب غرب آسیا همراه بود. ظهور این واحدها سبب بروز بحرانهای جدید و نیز تشدید بحرانهای قدیمی در دوسطح داخلی و منطقه ای شد (حسنات، ۱۳۷۲: ۵۶). در پایان جنگ جهانی دوم الگوی نظام دو قطبی شکل گرفت و کشورهای منطقه به دو گروه تقسیم شدند: عراق به جبهه بلوک شرق و دیگر کشورها به جبهه بلوک غرب پیوستند. در رابطه ایران و عربستان این دوره تا انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ش تداوم داشت و هر دو کشور تحت سیطره بلوک غرب قرار داشتند. سیاست دو ستونی ایالات متحده از دو کشور ایران و عربستان به اجرا گذاشته شد و ایران قبل از سال ۱۹۷۹ بعنوان محور

تبادل ژئوپلیتیک خاورمیانه با کمک مکمل استراتژیک خود یعنی عربستان و با پشتیبانی قدرت بحری جهانی (ایالات متحده آمریکا) توانست پایداری نسبی را در منطقه برقرار سازد. در نتیجه طی سه دهه خلیج فارس از یک امنیت نسبی خوبی برخوردار بود و همه کشورهای واقع در آن بجز عراق بصورت مسالمت آمیز مسائل خود را حل می کردند و هیچ گاه برخوردهای خشونت آمیز بین آنها اتفاق نیفتاد (عزتی، ۱۳۷۷: ۱۸۲). دو کشور همچنین در زمینه مسائل اوپک، فلسطین و سازمان کنفرانس اسلامی وحدت نظر داشته و هردو نگرش یکسانی نسبت به شوروی و آمریکا داشتند (سادات عظیمی، ۱۳۷۵: ۱۲۴). در این دوره در چارچوب نظام ژئوپلیتیک جهانی و عقبه های منطقه ای آن، عربستان و ایران دچار همگرایی ساختاری بوده و نیروی پیوند دهنده بر نیروی جداکننده غلبه داشته است. در این دوره ایران از منزلت ژئوپلیتیک برتر نسبت به عربستان برخوردار بوده است (حافظنیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۶۶ - ۸۲).

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و خروج آن از ساختار ژئوپلیتیک غرب و فروپاشی پیمان ستو و بروز زنجیره ای از تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه، روابط ایران و عربستان بسوی توسعه تضادها گرایش یافت. این وضعیت تا پایان دهه ۱۳۶۰.ش در روابط دو کشور تداوم یافت.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران در تیرماه ۱۳۶۷.ش / جولای ۱۹۸۸ و پایان جنگ ایران و عراق (اسدی، ۱۳۸۱) و تغییر برجسته در جهت گیری سیاست خارجی طی سالهای پس از آن، رویارویی بین ایران و اعراب کاهش پیدا کرد (رمضانی، ۱۳۷۷: ۴۷). به عبارتی در تغییر اوضاع داخلی در ایران همچون پایان جنگ ایران و عراق، رحلت آیت الله خمینی و جانشینی آیت الله خامنه ای در مقام رهبری، و نیز تهاجم عراق به کویت و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران را

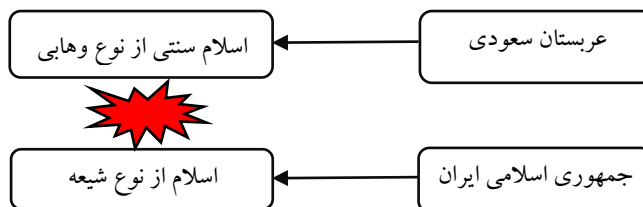
با کشورهای کرانه خلیج فارس از حالت رودررو خارج و به اتخاذ مشی مصلحت-جویانه گرایش یافت (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۰۲). این فرایند آشتی‌گرایی با توسعه شکاف در روابط آمریکا با اعراب، پدیدار شدن فرصتهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی جدید در عراق، افغانستان و منطقه برای آمریکا، از شتاب بیشتری برخوردار شد و مناسبات دو کشور به حالت عادی بازگشت. این وضعیت از ابتدای دهه ۱۳۷۰ه.ش تا نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ه.ش تداوم یافت. دیدار ریاست جمهوری اسلامی ایران از عربستان نمونه توسعه در روابط دو کشور در این دوره است (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۳۴).

از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ه.ش روابط دو کشور ایران و عربستان رو به تیرگی نهاد. عواملی چون سیاست ایالات متحده نسبت به عربستان، سیاست خارجی ایران، تحولات داخلی در عربستان و مرگ پادشاه عبدالله و سیاست منطقه ای تنش گونه عربستان، تعارض در برداشت از منافع، تحولات در دنیای عرب، جنگهای داخلی در سوریه و یمن و ... در شکل‌گیری این شرایط این دوره تاثیرگذار بوده است.

علائق ژئوپلیتیکی متعارض و تنش ایران و عربستان

ایدئولوژی متعارض:

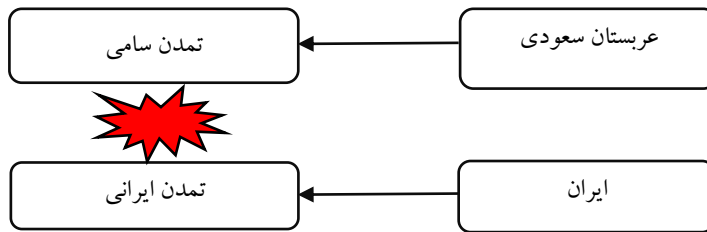
هر ایدئولوژی پس از استقرار از قدرت تیندگی و پایداری برخوردار است. بویژه زمانی که با جریانات سیاسی و اقتصادی همراه گردد. هر یک از کشورهای ایران و عربستان حامل یک ایدئولوژی پویا هستند. ایدئولوژی مورد نظر نیروی حرکت دهنده کنشهای آنها خواهد بود. پس از انقلاب اسلامی بسرعت ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در مقابل ایدئولوژی سنی وهابی به رهبری عربستان سعودی قرار گرفت. به نحوی که هر دو ایدئولوژی مشروعیت یکدیگر را زیر سوال بردند.



هر یک از کشورهای ایران و عربستان به عنوان دو کانون و داعیه‌دار این نوع ایدئولوژی محسوب می‌شوند. این کانون‌گرایی دو کشور با تکیه بر متغیرهای تاثیرگذار دیگر، کنش تعارضی را افزایش داده است. از سوی دیگر این دو کشور جهت توسعه ایدئولوژی مورد نظر، اقدام به انتشار فضایی بر مبنای مدل هاگستراندی می‌نمایند که نتیجه آن ورود کنشگران به وضعیت رقابت تنش‌آمیز خواهد بود.

تمدن رقیب (ایرانی - سامی):

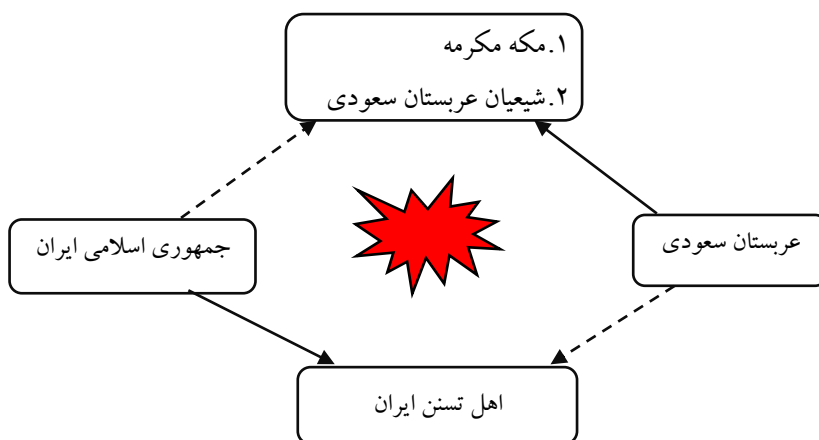
تفکر برتری‌پنداری بین ساکنان فضاهاى جغرافیایی، پدیده‌ای عام است که از سطح محلی تا سطح منطقه‌ای و حتی جهانی می‌توان نمونه‌های فراوانی از آن آورد. تفکر برتری‌پنداری و فردوست‌انگاری و پیرو انگاری دو تمدن ایرانی و سامی نیز یکی از آنها است. تفکر برتری انگاری، احساسی تصویری است که بین ملتها شکل می‌گیرد و این احساس مبنای عمل و کنش اجتماعی را شکل می‌دهد. دو تمدن ایران و سامی که در حال حاضر دو کشور ایران و عربستان داعیه‌دار آن هستند در طول تاریخ با یکدیگر در حال رقابت بوده‌اند. این دو تمدن در طول تاریخ ۱۳۰۰ بطور پایدار در تنش و منازعه بوده‌اند. غلبه تمدن سامی پس از ورود اسلام به ایران، نگرش مافوق و مادون اعراب نسبت به ایران را تقویت کرد. از سوی دیگر ایرانیان با تکیه بر تاریخ و تمدن کهن خود، نگرش اعراب را به چالش کشده‌اند. نمونه اشعار و نثرها و نوشته‌های فراوانی در این زمینه در ایران وجود دارد که نشان دهنده رقابت تمدنی بین دو کشور ایران و عربستان در حال حاضر است. از سوی دیگر حاکمان و سردمداران عرب بیشتر بر اساس سیاستهای نمادین عمل می‌نمایند و حتی برای کنترل سیاسی یکدیگر، خود را بیشتر مدافع هنجارهای عربی نشان می‌دهند (Barent, 1998: 1-2). علاوه بر آن عربستان به دلایل مختلف؛ موقعیت الگوی در ارتباط با دیگر کشورهای عربی داشته (واعظی، ۱۳۸۷) و این موقعیت الگویی با تکیه بر پیشینه رقابت تمدنی به دیگر فضای عربی نیز سرایت خواهد کرد.



کنش تمدنی عربستان با تکیه بر زبانه‌های سامی این تمدن در بخش بزرگی از جنوب آسیا و شمال آفریقا پشتیبانی فکری و کنشی را به همراه دارد. در صورتیکه کنش تمدنی ایرانی، در فضاهاى جغرافیایی این تمدن یعنی افغانستان تاجیکستان و بخش‌های پراکنده‌ای از جنوب غرب آسیا صورت می‌گیرد.

علائق مذهبی - قومی در فضای سرزمینی رقیب:

هر یک از مذاهب منشعب از دین اسلام، کانون‌های فکری و عقیدتی متفاوتی دارند. این کانون‌ها تولید فکر و پشتوانه مذهبی معتقدان خود را فراهم می‌کنند. از آنجا که این کانون‌ها ممکن است در فضاهاى جغرافیایی کشور رقیب قرار گیرند، کنش ژئوپلیتیکی را به همراه خواهند داشت. هر یک از این کشورهای ایران و عربستان علائق ژئوپلیتیکی در داخل مرزهای یکدیگر دارند که این علاقه ژئوپلیتیکی زمینه مداخله در مسائل داخلی همدیگر را فراهم می‌کند. اهل تسنن ایران بعنوان علاقه ژئوپلیتیکی عربستان سعودی محسوب می‌شود و شیعیان و مکه مکرمه در عربستان سعودی جزء علائق ژئوپلیتیک ایران در عربستان محسوب می‌شود.



رقابت در اوپک:

اوپک را می‌توان مظهر همگرایی کشورهای غیرمنطقه‌ای جهت کسب منافع مشترک دانست. در حال حاضر دوازده کشور ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، ونزوئلا، قطر، لیبی، امارات متحده عربی، الجزایر، نیجریه، آنگولا و اکوادور عضو این نهاد اقتصادی هستند (Yergin, 2008: 2-28). اگرچه این نهاد با هدف «هماهنگی و یکپارچه سازی سیاست‌های نفت کشورهای عضو و تعیین بهترین راه برای تامین منافع جمعی یا فردی آنها، طراحی شیوه‌هایی برای تضمین ثبات قیمت نفت در بازار نفت بین‌المللی به منظور از بین بردن نوسانات مضر و غیر ضروری و ...» (OPEC Secretariat, 2012: 9) تشکیل شد، ولی در مراحل پس تشکیل و ثبات آن، عرصه رقابت تولیدکنندگان عضو واقع شد. به گونه‌ای که کشورهای تولیدکننده جهت کسب جایگاه بالاتر به رقابت پرداختند. رقابت ایران و عربستان نیز در این زمینه قابل توجه است. در دهه ۱۹۷۰م. ایران فاصله نزدیکی با کسب رتبه اول تولیدکننده نفت داشت که با وقوع انقلاب اسلامی، ایران فضای رقابتی را به دیگر تولیدکنندگان نفت اوپک واگذار نمود. لیکن با توجه به ظرفیت‌های ذخایر نفتی، ایران بعنوان رقیب بالقوه عربستان محسوب می‌شود. بر اساس آمار منتشر شده ۲۰۱۵ کشورهای عضو اوپک سهم مهمی از بازار تولید نفت خام جهان را در اختیار

دارند (international agency energy secure sustainable together,2015). در

این بین عربستان به عنوان بیشترین تولیدکننده نفت اوپک محسوب می گردد.

فضاهای پیرامونی عرصه رقابت و منازعه:

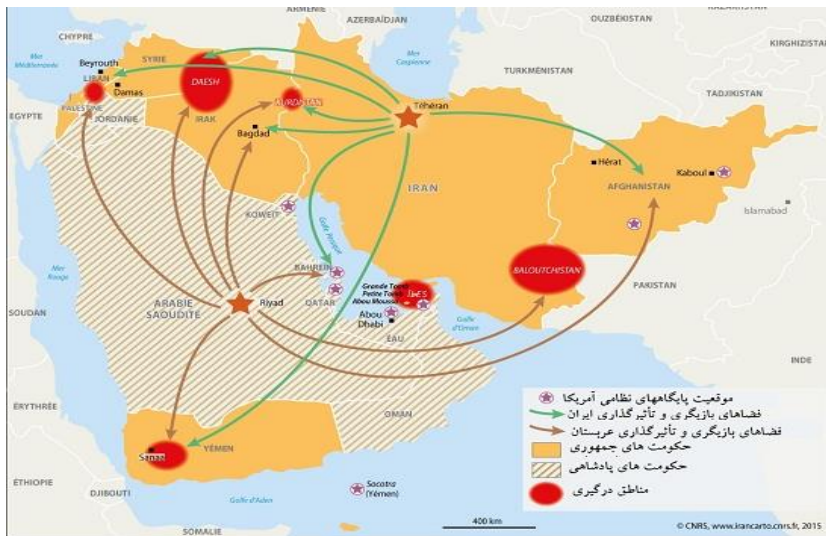
الف) فضای رقابتی شرق دریای مدیترانه: یکی از فضاهایی که همواره میان ایران و عربستان بر سر آن اختلاف نظر و رقابت وجود داشته، منطقه شرق دریای مدیترانه است؛ فضایی که منطبق با لبنان و بخش هایی از کشور سوریه است. در این منطقه، شیعیان زندگی می کنند و در تاریخ ارتباطات فرهنگی، مذهبی و تجاری با ایران داشته اند. در حال حاضر حزب الله در لبنان این کارکرد تاریخی را احیا کرده است و نفوذ ایران را در غرب آسیا تقویت کرده است. این رابطه از سوی عربستان سعودی مورد انتقاد قرار گرفته است.

ب) فضای رقابتی غرب عراق و شرق سوریه: فضای جغرافیایی دیگری که در آن میان ایران و عربستان رقابت و درگیری وجود دارد، منطقه بین عراق و سوریه است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط جمهوری اسلامی ایران با سوریه به اتحاد استراتژیک ایران تبدیل شد. از سوی دیگر، پس از سقوط صدام، با روی کار آمدن شیعیان در عراق، روابط ایران و عراق نیز دوستانه و در نتیجه، نفوذ ایران در کشورهای سوریه و عراق تقویت شد.

ج) فضای رقابتی شمال یمن: کشور یمن در جنوبی عربستان محل سکونت شیعیان بوده است. جمعیت شیعیان این کشور در حال حاضر قریب به ۸ میلیون نفر است. شیعیان این کشور در چند سال اخیر جنبش های اعتراضی را پیگیری کردند. با سقوط گروه های طرفدار عربستان و تصاحب قدرت در این کشور توسط شیعیان، نفوذ ایران در این کشور افزایش یافت و از سوی دیگر نفوذ سنتی عربستان کاهش یافت. این فرایند موجب دخالت نظامی عربستان در امور داخلی یمن شد.

د) فضای رقابتی در خلیج فارس: بحرین و جزایر سه گانه ایرنی را یکی دیگر از فضاهای رقابت بین ایران و عربستان باید دانست. بخش عمده‌ای از جمعیت بحرین شیعه مذهب هستند و این مساله باعث شده تا مورد توجه ایران شیعی واقع شوند. از آنجا که حکومت این کشور با اهل تسنن مورد حمایت مستقیم عربستان است یکی از فضاهای رقابت بین دو کشور محسوب می‌شود. در رابطه با جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی عربستان سعودی همواره تلاش کرده است تا از طریق امارات متحده عربی، ایران را تحت فشار جهت واگذاری این جزایر به امارات قرار داده است.

نقشه شماره ۲: فضاهای تنش بین ایران و عربستان



منبع: (به نقل از پایگاه خبری جغرافیای سیاسی، به آدرس <http://newspg.ir>)

ه) فضای رقابتی غرب پاکستان و افغانستان: جنوب شرق ایران و غرب پاکستان محل سکونت اقوام بلوچ است که به دلیل ترسیم استعماری بین ایران و پاکستان در حال حاضر از سوی عربستان جهت فشار به ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

همچنین طالبان و حمایت‌های مالی عربستان از آنها را به عنوان یکی دیگر از فضاهاى تنش بین این ایران و عربستان محسوب کرد.

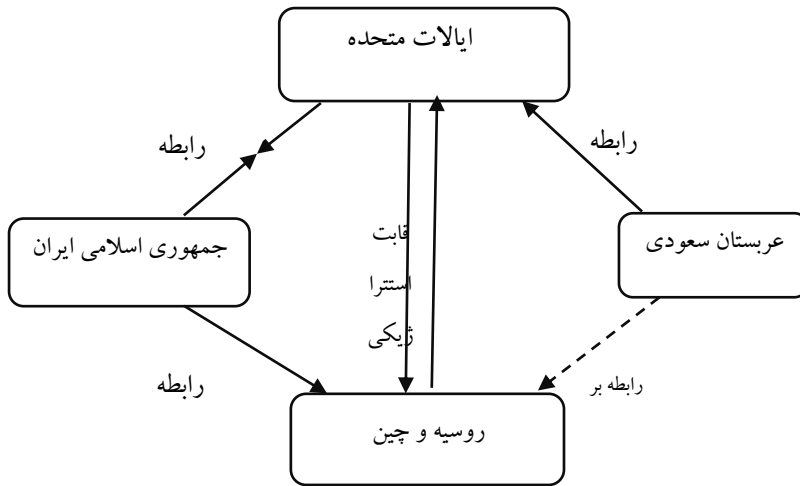
هر دو کشور ایران و عربستان در فضاها و مناطق پیرامونی نسبت به منافع واقعی یا تصویری، رویکرد غیرقابل تقسیم دارند. این رویکرد بستر پایداری منازعه و چالش‌سازی مداوم بین دو کشور را فراهم می‌کند.

ساختار سیاسی متفاوت:

هر یک از کشورهای ایران و عربستان دارای یک سیستم سیاسی ویژه است. این سیستم‌های سیاسی تولیدکننده نوع رفتار و کنش ویژه است. عربستان دارای حکومت پادشاهی است و ایران از یک نوع جمهوری اسلامی برخوردار است. اصولاً بخشی از کنش و تعاملات بین دو کشور در قالب ساختار موجود با تعارض و چالش مواجه است. این دو ساختار تولیدکننده نهادها و ساختارهای تابعی هستند که کنش آنها را تحت تاثیر قرار داده و تعاملات آنها را با موانع مواجه می‌سازد. عربستان سعودی دارای ساختار پادشاهی با حاکمیت مطلقه آل سعود است و ایران از یک جمهوری اسلامی با بن‌مایه‌های مذهبی.

رابطه با سیستم‌های سطح جهانی

هر یک از کشورهای ایران و عربستان دارای رابطه بسیار نزدیک با سیستم سیاسی سطح جهانی هستند که این سیستم‌های سطح جهانی در حال رقابت با یکدیگر هستند. سیستم‌های سطح جهانی دارای رقابت ژئواستراتژیک با یکدیگر هستند. این سیستم‌ها نیز در تمام فضاهاى جهانی در پی یارگیری و افزایش وفاداری گروه‌ها و کشورها نسبت به یکدیگر هستند.



نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تنش بین دو واحد سیاسی ایران و عربستان را پایدار است. لذا دو واحد سیاسی در هیچ شرایطی در کنار همدیگر نخواهند بود. از سوی دیگر، رقابت پایدار تابع کنش سیاسی ممکن است رقابت مسالمت‌آمیز جایگزین تنش و یا منازعه شود. این رقابتها برای دو کشور هزینه‌زا بوده و می‌بایست تلاشهای سیاسی و دیپلماتیک جهت برطرف کردن مسائل بین دو کشور افزایش یابد تا الگوی تعاملی و مسالمت‌آمیز جایگزین الگوی تنش‌زا گردد. رقابت ایران و عربستان حاصل یک فرایند تاریخی و همچنین متغیرهای مختلفی دیگر است که در نفوذ و تاثیرگذاری بر علائق ژئوپلیتیکی همدیگر بروز یافته است. جنگهای نیابتی، تلاشهای سیاسی و دیپلماتیک دو کشور در رویدادهای جهانی، مظاهر رویکرد چالش‌ساز در روابط دو کشور است. رقابت مسالمت‌آمیز میان ایران و عربستان تابع تلاشهای دیپلماتیک در سه سطح زیر است:

سطح بین کشوری: دیپلماسی فعال ایران و عربستان جهت کاهش تنشهای بین

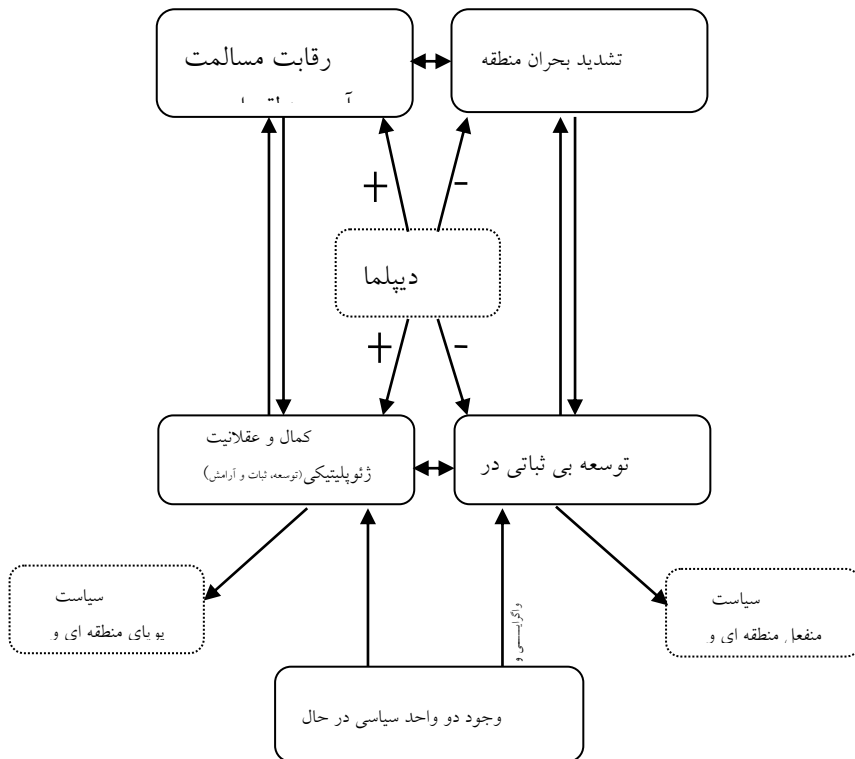
دو کشور؛

سطح منطقه‌ای: کشورهای منطقه‌ای که متأثر از رفتار و کنشهای دو کشور هستند می‌توانند در کاهش تنش بین دو کشور ایران و عربستان نقش آفرین باشند.

سطح جهانی: کشورهای اروپایی، روسیه، ایالات متحده آمریکا و چین می‌توانند در کاهش تنش بین ایران و انگلستان بواسطه دیپلماسی سطح جهانی تاثیرگذار باشند.

الگوی مورد نظر جهت تعامل سه سطح مزبور از در شکل زیر نشان داده شده

است:



منابع

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۹). واگرایی و همگرایی در روابط ایران و عربستان. فصلنامه مطالعات خاورمیانه. شماره ۲. تابستان.
- اسدی، بیژن. (۱۳۸۱). خلیج فارس و مسائل آن. تهران: انتشارات سمت.
- انجمن ژئوپلیتیک ایران. (۱۳۸۷). جلسه مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۵.
- برزگر، کیهان. (۱۳۸۲). تعاملات سیاسی ایران- عربستان پس از ۱۱ سپتامبر. فصلنامه راهبرد، شماره ۱.

• پایگاه خبری جغرافیای سیاسی به آدرس: <http://newspg.ir>

- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: پاپلی.
- حافظنیا، محمدرضا و ابراهیم رومینا. (۱۳۸۴). تحول روابط ایران و عربستان و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. دوره ۲۰. شماره ۲. تابستان. صص: ۶۶-

۸۲

- حسنات، سید فاروق. (۱۳۷۲). اختلافات ارضی عامل بی ثباتی ترتیبات امنیتی در خلیج فارس. ترجمه: باقر نصیر. مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس.
- رضانی، روح الله. (۱۳۷۷). طلوعه آشتی اعراب با ایران: بسوی سیاست یکپارچه ایالات متحده در خاورمیانه. ترجمه علیرضا طیب. اطلاعات سیاسی- اقتصادی. شماره ۱۳۱-۱۳۲
- سادات عظیمی، رقیه. (۱۳۷۵). عربستان سعودی (مجموعه مباحث کشورها و سازمانهای بین الملل). تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- شکوئی، حسین. (۱۳۶۴). فلسفه جغرافیا. تهران: گیتاشناسی.
- شکوئی، حسین. (۱۳۷۵). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول). تهران: گیتاشناسی.

- عزتی، عزت الله. (۱۳۷۷). ژئوپلیتیک ایران و تاثیر آن بر تامین امنیت خلیج فارس. فصلنامه سیاست خارجی. سال دوازدهم.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۷). روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل. فصلنامه میقات حج، سال شانزدهم، تابستان.
- هاگت، پیتر. (۱۳۷۵). جغرافیا ترکیبی نو. جلد ۲. ترجمه: شاپورگودرزی نژاد. تهران: سمت.
- Barnet Michael. (1998). Dialogue in Arab Politics, New York: Columbia University Press.
- Johnston, R.J & Gregory & Derek, Smith, M. (1994). The Dictionary of Human Geography. U.K: Blackewll.
- International agency energy secure sustainable together. (2015). Key world energy statistics. In http://www.iea.org/publications/freepublications/publication/KeyWorld_Statistics_2015.pdf
- OPEC Secretariat. (2012). Organization of the Petroleum Exporting Countries. Vienna, Austria
- Yergin, Daniel (2008). The Prize: The Epic Quest for Oil, Money, and Power. New York: Simon and Schuster.

